

حادثه‌ها

پایان عملیات آلمانی‌ها در مناطق زلزله‌زده غرب کشور

● هماهنگ‌کننده تیم دوم امدادگران ان‌جی‌اوی «هوم‌مدیکا» از پایان عملیات امدادرسانی این ان‌جی‌او در سرپل‌دهاب کرمانشاه خبر داد و گفت: اولین تیم ما حدود ۷۲ ساعت پس از زلزله به کرمانشاه رسیدند، پیش از اتمام مأموریت آنها، تیم دوم و گروه جایگزین آنها به ایران آمدند. در حال حاضر مأموریت گروه درمانی دوم هم به اتمام رسیده و آنها نیز کرمانشاه را به مقصد فرانکفورت آلمان ترک کردند. جواد شیخ‌الاسلامی، هماهنگ‌کننده تیم دوم ان‌جی‌او، به خبرنگار «شوق» گفت: تیم دوم پس از بررسی و انجام مأموریت به این نتیجه رسید که ضرورتی برای حضور تیم پزشکی و امدادی دیگری در مناطق زلزله‌زده وجود ندارد. او ادامه داد تیم قبل و تیم ما در مجموع، در ۱۸ روستا کار امدادی و پزشکی انجام دادیم، در تیم دوم ما دو پزشک حضور داشت و مانند تیم اول سعی داشتیم به راه‌های دور و روستاهایی که خدمات کمتری گرفته‌اند، برویم. ما هفت روز در منطقه زلزله‌زده حضور داشتیم و به پانسمنان و بخیه زخم‌هایی که ناشی از زلزله بودند و گاهی به درمان سرماخوردگی و موارد دیگر پرداختیم. او در پایان گفت تصمیم‌گیری نهایی با نحوه و ادامه مأموریت تیم بعدی در دفتر اصلی ان‌جی‌اوی هوم‌مدیکا در آلمان گرفته خواهد شد، اما تا جایی که من می‌دانم مأموریت خاتمه یافته است و دیگر تیم پزشکی و تیم فنی‌ای به ایران نخواهد آمد. اما مبلغی از پول باقی مانده است که پس از هماهنگی با مرکز دانشگاه علوم پزشکی و وزارت بهداشت قرار شده است برای تهیه کانکس و مراکز درمانی موقت از آن استفاده شود، اما هنوز بوجه آن مشخص نیست و در نهایت یک نفر برای نظارت بر این کار به ایران خواهد آمد. شاپان ذکر است در مصاحبه با سبروس غیائی، هماهنگ‌کننده تیم اول، گفته شده بود پنج، شش روستا که به اشتباه ۵۶ روستا چاپ شده بود.

صاحبخانه

مظنون اصلی قتل دختر ۲۵ ساله

● شرق: کارآگاهان جنایی در حال تحقیق درباره علت مرگ دختر جوان تهرانی هستند که جسدش در گرمسار پیدا شده است. تاکنون یک مظنون در ارتباط با این پرونده دستگیر شده اما ارتکاب قتل را انکار کرده است. تحقیقات دربارۀ این پرونده از روز نهم آذر آغاز شد. در این روز فردی با مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ تماس گرفت و خبر داد جنازه دختری جوان را در مسیر لوله گاز در حوالی روستای چنداب مشاهده کرده است. اکیبی از مأموران بعد از دریافت این گزارش به محل حادثه رفتند. در بررسی اولیه هویت او را کشف کردند، به‌این‌ترتیب به پدر دختر ۲۵ساله موضوع را اطلاع دادند. سرهنگ قربانی، فرمانده انتظامی شهرستان گرمسار، در این‌باره گفت: پدر این دختر جوان به گرمسار فراخوانده شد. با حضور پدر دختر ۲۵ساله و مشخص‌شدن وضعیت زندگی وی در تهران، تیمی از کارآگاهان با گرفتن نیابت قضائی به منزل مجردی این دختر در تهران مراجعه کردند. این‌مقام انتظامی ادامه داد: در تحقیقات محلی پلیس در محل زندگی وی مشخص شد صاحبخانه وی که یک مرد جوان است و سابقه خوبی در محل ندارد، با وی در ارتباط بوده و چند روز قبل در محل دیده شده است. فرمانده انتظامی شهرستان گرمسار تصریح کرد: با بررسی بیشتر موضوع و تحقیقات درباره این مرد جوان مشخص شد دو روز قبل از کشف این جسد، مرد جوان به گرمسار سفر کرده و سریع به تهران بازگشته است. سرهنگ قربانی با توجه به سفر این مرد جوان به گرمسار گفت: با تکمیل‌شدن این اطلاعات و ادله، با حکم مرجع قضائی، در یک عملیات غافلگیرانه مرد جوان در مخفیگاه خود دستگیر شد و در اولین بازجویی خود به ارتباط با این دختر اعتراف کرد. وی در ادامه افزود: مرد جوان در اعترافات خود مدعی شد روز حادثه با ورود به منزل مستاجر خود متوجه می‌شود وی فوت کرده و به دلیل ترس از این موضوع، روز بعد جسد این دختر را در صندوق عقب خودروی خود جاساز کرده و در روستای چنداب رها کرده است و از علت اصلی فوت وی خبر ندارد. سرهنگ قربانی در پایان افزود: تحقیقات درباره علت اصلی مرگ دختر جوان تهرانی ادامه دارد و تا پایان تحقیقات این مرد در بازداشت پلیس است.

معمای قتل ۲ چوپان در محلات

● پلیس تحقیقات برای رازگشایی از قتل دو چوپان را در محلات آغاز کرد. جسد نخستین چوپان صبح دیروز در منطقه اروج شهرستان محلات کشف و موضوع به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ اعلام شد. با حضور تیم‌های جنایی در محل، درحالی‌که تحقیقات اولیه حکایت از حمله حیوانات وحشی به چوپان داشت، گزارش پزشکی قانونی نشان داد که این چوپان به قتل رسیده است. تحقیقات برای کشف راز قتل ادامه داشت که گزارش قتل چوپانی دیگر به پلیس محلات اعلام شد. سرهنگ خلجی، معاون اجتماعی و فرماندهی انتظامی استان مرکزی، در بیان آخرین جزئیات این خبر گفت: بنابر اعلام فرمانده انتظامی شهرستان محلات، در ادامه تحقیقات پلیس، پیدا یکی دیگر از چوپانان کله در کوه‌های شهرستان پیدا شد. او اضافه کرد: چوپان دیگر کله نیز به‌شدت مصدوم شده که هم‌اکنون در بیمارستان بستری است. اکنون تیم‌های تخصصی پلیس در محل حضور دارند و برنامه‌ریزی عملیاتی برای بررسی علت این دو قتل و دستگیری قاتل یا قاتلان ادامه دارد.

شرق: مرد سبزی‌فروشی که متهم به اسیدپاشی به زن سالمندی است، سرانجام پس از چند ماه به این جرم اعتراف و دلیل آن را ارتباط با عروس خانوادۀ اعلام کرد. اواخر مرداد سال جاری، زن ۷۳ساله‌ای زمانی که از درمانگاه به خانه برمی‌گشت، مورد اسیدپاشی قرار گرفت و در تحقیقات اولیه پلیس، مشخص شد مهاجمان دو مرد موتورسوار بوده‌اند. پس از آن‌که زن سالمند که فرنیکیس نام دارد، به بیمارستان انتقال یافت، پزشکان میزان سوختگی او را ۱۲ درصد تشخیص دادند. همچنین با شکایت فرنیکیس، پرونده‌ای در دادسرای امور جنایی تهران تشکیل شد و بازپرس محسن مدیروستا دستور تحقیقات در این‌باره را صادر کرد. در بررسی‌های صورت‌گرفته، مشخص شد فرنیکیس و فرزندانش مدت‌ها قبل از این اسیدپاشی نیز دچار حوادث عمدی شده‌اند. دختر فرنیکیس در تحقیقات گفت: یک‌بار می‌خواستند خانه مادرم را آتش بزنند که متوجه شدیم و اگر دیر فهمیده بودیم، چیزی از خانه باقی نمانده بود. یک‌بار هم از خانه مادرم سرتقت کردند و حدود پنج میلیون تومان و کلی مدارک را دزدیدند. ما گفته اعضای خانواده این زن، این تمام ماجرا نبود؛ پسر فرنیکیس که امیر نام دارد، در ادامه گفته‌های خواهرش گفت: در ماجرای که برایم درست کردند، به زندان افتادم. حدود یک سال قبل از این اتفاقات فردی ناشناس مقدار زیادی مواد مخدر داخل مغازه کفش‌فروشی من جاسازی کرد و بعد از آن موضوع را به پلیس گزارش داد. به همین خاطر بازداشت‌شدم و به زندان رفتم که پس از مدتی با اسند و به صورت موقت آزاد شدم. فرنیکیس و فرزندانش در تحقیقات اولیه، یکی از همسایه‌ها را به‌خاطر اختلاف سر پارک خودرو عامل اسیدپاشی و دردرهای سریالی معرفی کردند؛ اما بررسی‌ها نشان داد همسایه در این ماجراها نقشی ندارد. در بخش دیگری از تحقیقات، مشخص شد عروس خانوادۀ که ماهرخ نام دارد، از مدت‌ها قبل با مادرشوهرش اختلاف دارد و پیامک‌های تهدیدآمیز هم برایش فرستاده است. این یافته جدید باعث بازداشت ماهرخ شد. زن میان‌سال در تمام



مراحل تحقیق منکر ماجرا بود؛ اما اختلافش با مادرشوهرش را قبول کرد. در ادامه بررسی‌ها، مشخص شد ماهرخ رابطه پنهانی با مرد سبزی‌فروشی دارد که در نزدیکی خانه‌شان مغازه دارد. بنابراین مرد سبزی‌فروش نیز بازداشت شد و در بازرسی از مغازه‌اش، تلفن همراه و سیم کارتی به دست آمد که از طریق آن پیام‌های تهدید زیادی به فرنیکیس و خانوادۀ‌اش ارسال شده بود. مرد سبزی‌فروش در تحقیقات اولیه منکر اسیدپاشی بود و در رابطه با ماهرخ گفت: حدود دو سال قبل، ماهرخ برای خرید سبزی و میوه به مغازه‌ام آمد. بعد از مدتی ارتباطمان باهم بیشتر شد و او گفت وضع مالی خوبی ندارد و من هم برای اینکه او منبع درآمدی داشته باشد، سفارش سبزی برایش می‌گرفتم. او از مشکلاتش با همسر و مادرشوهرش گفت. ولی اسیدپاشی را من انجام نداده‌ام. درحالی‌که مرد سبزی‌فروش و عروس میان‌سال منکر اسیدپاشی بودند، سرخ‌هایی به‌دست آمد که احتمال دست‌داشتن آنها در این اسیدپاشی را تقویت کرد. در نهایت مرد

قصاص؛ فرجامی برای خیانت مرگ‌بار

اعتراض متهمان قرار گرفت و شاهین، عموی آرزو، ادعا کرد دروغی در کار است و او در قتل نقشی نداشته و شخصی دیگر در قتل حضور داشته است. او ادعا کرد آرزو برادرزاده‌اش هم از این‌موضوع خبر دارد. در ادامه آرزو نیز منکر حضور عمویش در صحنه قتل شد و انگشت اتهام را به سمت برادرشوهرش به نام کیان گرفت. به‌این‌ترتیب قضات حکم قصاص این مرد را نقض کردند و پرونده برای بررسی دوباره در این‌باره به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. قضات شعبه دهم نیز پرونده را برای تحقیق دوباره به دادسرا ارجاع کردند. در این مرحله برادرشوهر آرزو برای بازپرسی احضار شد و تحت بازجویی قرار گرفت تا اینکه مشخص شد وی دخالتی در جنایت نداشته است. سپس آرزو در بازجویی‌ها گفت: من از ترس عمومی‌گفتم که کیان با همدستی شوهرم قتل را انجام داده‌اند چراکه عمویم من را به مرگ تهدید کرده بود و از طرفی هیچ سرپناهی برای زندگی نداشتم و در خانه عمویم به سر می‌بردم. به همین خاطر مجبور شدم به‌دروغ بگویم برادرشوهرم در جنایت دخالت داشته است. به‌این‌ترتیب پرونده بار دیگر برای رسیدگی به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و شوهر آرزو و عمویش به‌عنوان متهمانی که در قتل دست داشتند در برابر قضات قرار گرفتند. در جریان این محاکمه مازیار (شوهر آرزو) گفت: من قتل را قبول ندارم شاهین با من تماس گرفت و گفت به باغ بیا. وقتی به آنجا رفتم و با جسد آرمین داخل صندوق عقب خودروی قربانی روبه‌رو شدم همراه با او به بیابانی در حاشیه شهریار رفتم و او جسد را در گودالی انداخت. بعد سوار خودرویم شدیم و به باغ برگشتیم. شاهین نیز ادعاهای آرمین را تکذیب کرد و گفت: من مازیار و آرزو را برای آشتی به باغ دعوت کردم اما آنها به من گفتند کیان هم می‌خواهد به اینجا بیاید و خواستند که تنها باشند

نوجوان متهم به قتل غیر عمد نیازمند کمک‌های مردمی

پسر نوجوانی که می‌خواست از گریه شکارچی اردک‌هایش انتقام بگیرد، راهی کانون اصلاح و تربیت شد. اولین روز تعطیلات تابستانی بود که آرمان تصمیم می‌گیرد با اسلحه ساچمه‌ای پدرش از گریه‌ای که سه اردک او را دریده بود، انتقام بگیرد؛ از همین‌رو، به همراه دوستش پشت‌بام خانه می‌رود و در کمین می‌نشیند تا گریه خاخی در تیررس قرار گیرد. انتظار آرمان و دوستش زمان زیادی طول نمی‌کشد و لحظه موعود فرا می‌رسد؛ آرمان به‌محض دیدن گریه، ماشه تفنگ ساچمه‌ای پدرش را می‌چکند اما با قدری اشتباه در نشانه‌گیری، گلوله به سنگ مجاور گریه برخورد و گریه فرار می‌کند. این پایان کار نبود چون ساچمه رهاشده از لوله تفنگ که به سنگ برخورد کرده بود، کمانه کرد و روی سر سپر هشت‌ساله همسایه که در ایوان خانه‌شان مشغول خوردن میوه بود، نشست و جان او را گرفت. وقتی در روندی طولانی مشخص می‌شود که مسبب این حادثه چه کسی بوده، کار به شکایت می‌کشد و دادگاه طبق نظریه پزشکی قانونی و با استناد به اصل ۳۷ قانون اساسی و مواد ۲۹۱، ۶۴۲، ۴۸۸ و ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی، آرمان را بابت قتل شبه‌عمد به پرداخت یک قفره دوه مرد مسلمان در حق اولیای‌دم و از حیث جنبه عمومی جرم مستند به مواد ۶۱۲ قانون تعزیرات و ۴۴۷ مجازات‌های استلامی (اخیرالتصویب) با رعایت بند الف ماده ۸۹

سبزی‌فروش زمانی که با مدارک مواجه شد، اعتراف کرد؛ ماهرخ همیشه از رفتارهای بد همسرش می‌گفت و از اینکه نمی‌تواند خساست‌های او را تحمل کند. او از من خواست برای شوهرش لباس درست کنم تا انتقام بگیرد. ماهرخ کلید مغازه کفش‌فروشی شوهرش را به من داد. شبانه وارد مغازه امیر شدم و مقداری مواد مخدر داخل مغازه جاسازی کردم. بعد از آن هم به پلیس زنگ زدم و او را لو دادم. بعد از مدتی ماهرخ از من خواست از مادرشوهرش انتقام بگیرم، چون او را اذیت می‌کند.

این مرد ادامه داد: ابتدا مخالف بودم؛ اما ماهرخ آن‌قدر خواسته‌اش را تکرار کرد تا راضی به اسیدپاشی شدم. آدرس خانه مادرشوهر ماهرخ را می‌دانستم؛ یک‌بار او و پسرش را به آنجا رسانده بودم. ماهرخ می‌دانست که مادرشوهرش شب حادثه وقت دکتر دارد و زمان تقریبی رفت و برگشت او را به من مقداری ماده پاک‌کننده تهیه کردم و سوار موتورسیکلت در نزدیکی آدرس مدنظر منظر شدم. شب بیرون را دیدم که وارد کوچه شد، کلاهکاسکت را روی سرم گذاشتم تا چهره‌ام را ببیند و خواسته ماهرخ را اجرا کردم. درحالی‌که مرد سبزی‌فروش به جاسازی مواد مخدر داخل مغازه امیر و اسیدپاشی روی بیرون اعتراف کرد؛ اما عروس میان‌سال همچنان منکر این دستورات شد. او گفت: مدت‌هاست با مادرشوهرم مشکل دارم و دل خوشی از او و همسرم ندارم. همسرم زمانی که من در خانه کار می‌کردم، معترض بود و می‌گفت ۵۰ هزار تومان پول آب آمده که به‌خاطر شست‌وشوی سبزی است و باید آن را پرداخت کنی. او مرد خسیسی است و از دستش به‌شدت ناراحتم؛ اما اینها دلیل نمی‌شود که دستور اسیدپاشی به مادرشوهرم و جاسازی مواد مخدر داخل مغازه همسرم را بدهم. مرد سبزی‌فروش دروغ می‌گوید و اگر هم این کارها را انجام داده باشد، من بی‌خبرم و خودش سرخورد این کارها را کرده است. درحال حاضر با توجه به انکار عروس میان‌سال، بازپرس جنایی دستور ادامه تحقیقات و بررسی اظهارات او را صادر کرده است.

من و باغ را ترک کردم. وقتی برگشتم آرزو به من گفت مازیار و کیان با هم آرمین را خفه کرده‌اند. آنها از من خواستند قتل را به گردن بگیرم و وعده دادند برایم وکیل گرفته تا از خانواده قربانی رضایت بگیرند. آرزو نیز که در این پرونده اتهامش معاونت در قتل بود، در آخرین دفاع، ادعای عجیبی کرد و گفت: عمویم بی‌گناه است چرا که همسرم مازیار و برادرش کیان آرمین را کشته‌اند. سرانجام در پایان محاکمه قضات وارد شور شدند و بر اساس اعتراف صریح متهمان به قتل و مدارک و شواهد موجود مازیار و شاهین را به‌خاطر قتل عمد به قصاص نفس محکوم کردند و آرزو نیز

به‌خاطر معاونت در قتل به ۱۵ سال زندان و دو سال کار در آسایشگاه سالمندان محکوم شد. اما این رأی یک‌بار دیگر مورد اعتراض متهمان قرار گرفت و دیوان عالی کشور با تاز خانواده قربانی رضایت بگیرند. آرزو در شعبه دوم دادگاه کیفری استان تهران پای میز محاکمه رفتند و یک‌بار دیگر ادعاهای خود را مطرح کردند آنها همگی گفته‌های خود در مرحله دادسرا را تکذیب کردند و هریک قتل را بر گردن دیگری انداخت. با پایان جلسه رسیدگی هیئت قضات وارد شور شدند و این بار نیز مازیار و شاهین را به قصاص و آرزو را به حبس محکوم کردند.

رخداد

یک‌نیک جان‌مردی را گرفت

● سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران از مرگ یک تن در پی وقوع گازگرفتگی در ولنجک خبر داد. سیدجلال ملکی در این‌باره گفت: این حادثه ساعت ۹:۴۲ دیروز به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد. در پی آن ستاد فرماندهی آتش‌نشانی گروه نجات ۱۶ را به ولنجک اعزام کرد. پس از حضور آتش‌نشانی در محل حادثه مشاهده شد که حادثه در اتاقکی پنج‌متری در طبقه پنجم یک ساختمان پنج‌طبقه مسکونی رخ داده است. در این اتفاق مردی ۶۰ ساله به‌همراه پسر ۳۰ ساله‌اش شب‌ها استراحت و برای گرمایش اتاق از گاز یک‌نیک استفاده می‌کردند. او با بیان اینکه نشست گاز از یک‌نیک سبب وقوع این حادثه شده بود، گفت: ظاهرا این افراد در نیمه‌های شب متوجه نشست گاز شده و از خواب بیدار شده‌اند، اما فقط گاز یکی از دو یک‌نیک‌ها را خاموش کرده و برای خارج‌کردن مونوکسیدکربن از فضای اتاق اقدامی نکرده و دوباره به خواب رفته‌اند. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهر تهران ادامه داد: صبح دیروز، زمانی که پسر ۳۰ساله از خواب بیدار شد، متوجه وقوع حادثه برای پدرش شده و بلافاصله با ۱۲۵ تماس گرفت که پس از حضور آتش‌نشانی در محل و تحویل مرد ۶۰ ساله به عوامل اورژانس، مشخص شد که او علائم حیاتی ندارد و جان خود را از دست داده است. ملکی با بیان اینکه شواهد اولیه حاکی از این است که این مرد به دلیل مسمومیت با گاز جان خود را از دست داده است، گفت: البته علت قطعی مرگ را عوامل پزشکی قانونی باید بررسی و اعلام کنند.

۱۵ مصدوم بر اثر گازگرفتگی

در عروسی

● سخنگوی اورژانس از وقوع حادثه گازگرفتگی در یک مراسم عروسی خبر داد و گفت: ۱۵ نفر در این حادثه مصدوم شدند. مجتبی خالدی درباره حادثه گازگرفتگی در یکی از تالارهای پردیس گفت: ساعت ۲۰:۱۳ روز سه‌شنبه وقوع حادثه در تالار تشریفات پردیس به اورژانس اعلام شد. با حضور عوامل اورژانس مشخص شد که نشست گاز مونوکسیدکربن باعث مسمومیت تعدادی از افراد حاضر در عروسی شده است. او ادامه داد: بلافاصله شش دستگاه آمبولانس به محل حادثه اعزام شده و ۱۴ مصدوم را به بیمارستان شقای پردیس منتقل کردند.

# ۱۲ آذر

## روز جهانی معلول گرامی باد

۱۲ آذر

روز جهانی معلول گرامی باد

مرکز خیریه معلولین ذهنی

وحدان

حرفه‌آموزی و شبانه‌روزی

شماره ثبت: ۳۹۹۱  
وب سایت:  
vahdati-mrrcc.com

**پرداخت از طریق شماره گیری کد: #۹۸۹۸۹۸\*۴\*۷۳۳**

شماره حساب: ۳۹۹۲۳۳۱۷ شماره کارت تجارت: ۶۰۰۵۲۳۴۸۶

**تلفن: ۰۲۲۹۴۷۰۱۴ - ۲۲۹۴۲۱۳۲**

**آدرس: پاسداران، خیابان شهید اخوان(بوستان دوم)، خیابان شهید افشاری، بالاتر از ساقدوش، کوچه وحدت، پلاک ۴**

صفحه اینستاگرام: vahdatiha  
من یک مهربان هستم #